

بازی خطرناک رادیکال‌ها
باناراضیاتی اجتماعی

درایتی؛ حاکمیت از حجاب اجباری عبور کرده، تندروها هنوز نه!

هیچ باوری به اجبار حجاب ندارم و آن را اجرائی نمی‌دانم. این جمله‌ای است از مسعود پزشکیان؛ جمله‌ای که او پیش از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نیز به دفعات با تعبیر مختلف به زبان آورده بود و برخلاف برخی از شعارهای انتخاباتی که معمولاً تنها تا روز رای‌گیری تاریخ مصرف دارند و از فردای انتخابات منقضی می‌شوند، این یکی کماکان ورد زبان رئیس جمهور است و آخرین بار هم آن را در بخشی از مصاحبه خود با خبرنگار شبکه آمریکایی فاکس نیوز در حاشیه برگزاری هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به زبان آورد.

مصاحبه‌ای که از قضا بخشی از آن، ابتدای هفته جاری و درست در روزی منتشر شد که محمدرضا باهنر، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری و نیز در گوشه‌ای از پایتخت، در یک نشست مطبوعاتی حاضر شده بود و وقتی با پرسشی درباره «حجاب اجباری» مواجه شد، پاسخ می‌شابه رئیس جمهوری داد: «بنده روز اول هم اعتقاد به حجاب اجباری نداشته و ندارم».

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام البته از این نیز فراتر رفت و پس از آن‌که صراحتاً از «اعتقاد» خود درخصوص «حجاب اجباری» سخن گفت، تأکید کرد که اگرچه «ما دنبال تک صدایی نیستیم»، اما بحث حجاب اجباری، «بحث تصمیمات نظام است و تصمیم کلی نظام هم درحال حاضر این است که «قانون حجاب» لازم‌الرعایه نیست».

جبهه‌گیری پایداری

این سخنان با هنر به عنوان یکی از چهره‌های مرکزی جریان اصولگرا، اما با فاصله با واکنش طیفی از تندروهای این جریان مواجه شد و جالب آن‌که این بار هم، فرمان حمله را حسین شریعتمداری در یادداشت روزنامه کیهان صادر کرد.

در نتیجه، هنوز ۲۴ ساعت از انتشار مواضع تازه با هنر نگذشته بود که محمدتقی نقدعلی، نماینده‌ای که در این حدود ۵۰۴ ساله که از ورودش به فضای سیاسی کشور می‌گذرد، به نحوی عمل کرده که هویت سیاسی اش به حمایت سفت و سخت از «حجاب اجباری» گره خورده، با یک موضع‌گیری تند و تیز دیگر در این رابطه، این گره را کوتر از قبل کرد و خطاب به با هنر گفت: «کسی که مدت‌ها بر جایگاه نیابت رئیس همین مجلس تکیه زده بوده، می‌گوید که حجاب دیگر مستند قانونی ندارد، از خون برادر شهیدت خیالت بکش!»

این سخنان تذکره‌ای در ادامه با واکنش توأم با تأیید علی‌نیکزاد، نایب رئیس مجلس نیز مواجه شد. هرچند نیکزاد لایه‌لای سخنان خواسته یا ناخواسته، به نکته‌ای اشاره کرد که ادعای یادداشت دیروز حسین شریعتمداری در کیهان را تکذیب می‌کرد؛ چراکه شریعتمداری مدعی شده بود که «شورای عالی امنیت ملی، مصوبه‌ای در این خصوص نداشته و توقف آن با تصمیم سران قوا صورت گرفته»، اما نیکزاد صراحتاً گفت: «دبیر شورای عالی امنیت ملی (آن زمان) مکتوب اعلام کرد که فعلاً قانون عفاف و حجاب اجرا نشود.

تجربه شکست خورده

یک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص مساله حجاب اجباری اظهار داشت: یک بحث، بحث وجوب شرعی است که در این مدت صحنیتی درباره آن نشده است. اما این بحث در عین حال از زاویه الزام جامعه به رعایت به عنوان یک قانون نیز مطرح است. از حیث وجوب شرعی که تکلیف روشن است؛ طبیعتاً هرکسی که به آن باور دارد و خود را متعهد به رعایت مسائل شرعی می‌داند، به تشخیص خود نسبت به رعایت آن اقدام می‌کند، اما وقتی به بحث الزام کردن دولت به اجرای آن به مثابه یک قانون می‌رسیم، بحث دیگری است.

مصطفی درایتی گفت: تجربه نشان داده که الزام جامعه به رعایت حجاب نه تنها هیچ تأثیر مثبتی در راستای تقویت این مسئله نداشته، بلکه مشخصاً به عکس خود تبدیل خواهد شد که به نظر من در این سال‌ها دقیقاً چنین شد و همین اتفاق افتاد؛ چنان‌که تا پیش از آن‌که اقدام به الزام جامعه به رعایت حجاب شود و بحث حجاب اجباری مطرح باشد، جامعه به مراتب بیش از امروز به آن توجه داشت. وی افزود: همین که برخی به نحوی جدی‌تر به این مسئله ورود کرد و بعضاً با رفتارهایی سعی کرد جامعه را به رعایت حجاب الزام کند، شاهد این بودیم که با این رفتار عملاً بخش‌هایی از جامعه به‌ویژه زنان جامعه را مقابل حکومت قرار دادند.

این عضو ارشد حزب اتحاد ملت بیان کرد: در مقابل این رفتارهای خشونت‌آمیز و توهین‌آمیز هم بسیاری از عقلا وارد بحث شده و دلسوزانه توصیه کردند که دست از این رفتار بردارند؛ چراکه حتی اگر تمامی این رفتارهای نامعقول برای این است که جامعه بیشتر به رعایت حجاب ترغیب شود، تجربه این رفتار شما نشان داده که چنین نمی‌شود و این رفتار شما، عملاً به ضد خود تبدیل شده است.

او با اشاره به انتقادهای برخی عقلای جریان اصولگرایی به این رفتار تأکید کرد که «انتقاد آنها عموماً از این زوایه بود که اگر می‌خواهید حجاب را در جامعه گسترش دهید، باید بجای این رفتارهای تند و اجبار جامعه، به سمت اقدامات تشویقی و فرهنگی حرکت کنید؛ چراکه اگر این بحث را به سمت اجبار ببرید، درون جامعه مقاومت ایجاد می‌شود و دیر یا زود با واکنش منفی جامعه مواجه خواهید شد؛ کما این‌که امروز این واکنش منفی را به روشنی در سطح جامعه نیز می‌بینیم».

درایتی با تأکید بر این‌که «حاکمیت در چند سال گذشته، بحث الزام به رعایت حجاب را رها کرده» گفت: به رغم تغییر رویکرد حاکمیت، مطمئن نیستیم که اصولگرایان با مشخصاً تندروهای این جریان سیاسی نیز از این بحث عبور کرده باشند.

ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تغییرات مهمی در خاورمیانه رخ خواهد داد

**نسل زد فرهنگی است و نه غریزی****اسرائیل به یک رژیم فاشیستی تبدیل شده است****یشه جنایت در غزه را باید در اومانیسیم عرفانی جست و جو کرد**

آرمان ملی- احسان انصاری: «مردم‌گرایی با مفهوم زندگی در مقابل فاشیسم و سوسیالیسم قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی دیگر کشتار و جنایت متوقف خواهد شد و آنچه برای مردم اهمیت پیدا می‌کند زندگی و مفهوم آن است. این وضعیت خیلی زود به سراسر جهان تسری پیدا خواهد کرد و مردم جهان بیش از آنکه از جنگ استقبال کنند به دنبال زندگی و مفهوم آن خواهند بود. در چنین شرایطی خانواده و عدالت عرفی در محوریت قرار می‌گیرند. در خاورمیانه نیز این جنگ پارادایمی وجود دارد که می‌تواند به بحران نخبگی منجر شود و در نهایت فروپاشی صورت بگیرد. در واقع در کشورهای اسلامی نیز جنگ بین فاشیسم و سوسیالیسم وجود دارد و به دلیل

در گذشته اسرائیل تا به این اندازه جنایت و کشتار نمی‌کرد. در واقع سوسیالیسم نهفته در این دیدگاه و به مرور زمان جای خود را به فاشیسم داده است. ترامپ هم در راستای همان گونه اومانیسیم عرفانی حرکت می‌کند

جنایت می‌کند اومانیسیم یا انسان‌گرایی عرفانی است در حالی که پیش از این اسرائیل براساس اومانیسیم فلسفی حرکت می‌کرد که توسط بن‌گوریون بنا گذاشته شد. البته در گذشته اسرائیل تا به این اندازه جنایت و کشتار نمی‌کرد. در واقع سوسیالیسم نهفته در این دیدگاه و به مرور زمان جای خود را به فاشیسم داده است. ترامپ هم در راستای همان گونه اومانیسیم عرفانی حرکت می‌کند. این در حالی است که کشتار و جنایتی که اومانیسیم عرفانی در جهان انجام داد توسط اومانیسیم فلسفی صورت نگرفت. در مقابل اومانیسیم عرفانی که در شرایط کنونی در جهان دست به جنایت می‌زند آنچه به وجود آمده مردم‌گرایی است.

این نوع مردم‌گرایی چگونه به وجود آمده و چه مختصاتی دارد؟

این نوع مردم‌گرایی در اغلب جوامع به وجود آمده است. به عنوان مثال در کشوری مانند آلمان یا کشورهای دیگر بدون اینکه فردی دیندار و متدین باشد راهپیمایی‌های اعتراضی شرکت می‌کند و برای رسیدن به مطالبات خود تلاش می‌کند. اتفاق دیگری که در حال رخ دادن است نقش محوری زنان در این نوع مردم‌گرایی است. این وضعیت درباره انقلاب سال ۵۷ هم در ایران وجود داشت که در شش ماه اول مردانه بود اما در شش ماه دوم سال و با حضور زنان و خانواده‌های انقلاب در نهایت به پیروزی رسید. اتفاق دیگر این است که اومانیسیم عرفانی که خود را به شکل فاشیسم نشان داده در حال نبرد با اومانیسیم فلسفی است که در شکل سوسیالیسم نمایان شده است. از سوی دیگر کشورهایایی که مسیحی کاتولیک هستند در مقابل پروتستان‌ها و یهودیان قرار گرفته‌اند. این اتفاقات

مردم‌گرایی با مفهوم زندگی در مقابل فاشیسم و سوسیالیسم قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی دیگر کشتار و جنایت متوقف خواهد شد و آنچه برای مردم اهمیت پیدا می‌کند زندگی و مفهوم آن است

سید جلال دهقانی فیروزآبادی:

باید گزینه تسلیم را به گزینه توافق تبدیل کنیم

است. وی در خصوص نقش و جایگاه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران پس از فعال شدن اسنپ بک عنوان کرد: به نظر من، اکنون اروپا به نمایندگی و نیابت از ایالات متحده در حال مذاکره با ایران است و پیگیری مطالبات ایالات متحده از ایران را بر عهده دارد. در واقع می‌توان گفت که اروپا دلالی مذاکره بین ایران و آمریکا را انجام می‌دهد. استاد دانشگاه علامه طباطبائی تصریح کرد: شخصاً اعتقاد دارم که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به این ادعا رسیده‌اند که ایران در شرف تسلیم است. استراتژی و اولویت اول ما باید از بین بردن درک نادرست اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در تسلیم ایران باشد و گزینه تسلیم را به گزینه توافق تبدیل کنیم.

هم اشاره کرد، آمریکایی‌ها به رغم اقدامات همکاری جویانه‌ای که ایران انجام داده، حاضر به مذاکره نبوده‌اند. دلیل آن هم این است که ایالات متحده و اروپا، این اقدامات ایران را ناکافی می‌دانند و حتی همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را هم کافی نمی‌دانند. وی عنوان کرد: سه شرطی که تعیین کرده بودند شامل همکاری کامل با آژانس، گزارش از مواد غنی شده ۶۰ درصدی و مذاکره مستقیم با ایالات متحده بود. اما یکی از دلایل سرسختی اروپا این است که این اقدامات را کافی نمی‌دانند و ایالات متحده نیز آن را کافی نمی‌داند. این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل با بیان اینکه اروپا و ایالات متحده مذاکره را تنها در موضوع

ارزیابی خود از عملکرد اروپا در پرونده هسته‌ای ایران و دلایل سرسختی ترونیکی اروپایی با وجود امضای توافق قاهره و اعلام آمادگی ایران برای مذاکره، اظهار داشت: به نظر من اروپا تحت فشار ایالات متحده، اسنپ بک را فعال کرد. شاید اگر خود اروپا تصمیم‌گیرنده اصلی بود، حداقل آن را تمدید می‌کرد. به‌طور کلی در پرونده هسته‌ای، اروپا تابعی از ایالات متحده است و خود ایالات متحده نیز حاضر به مذاکره با شرایط ایران نشده است. سید جلال دهقانی فیروزآبادی گفت: این‌گونه نیست که فقط ایالات متحده حاضر به مذاکره باشد و اروپایی‌ها مخالف باشند؛ بلکه همان‌طور که سختگوی دولت

یادداشت**۱۷ اکتبر و دیدگاه‌های مغایر****جاوید قربان اوغلی**

سفیر پیشین ایران
در آفریقای جنوبی



درخصوص موضوع ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ دو دیدگاه وجود دارد که به صورت اصولی با یکدیگر مغایرت دارند، در نتیجه محققان باید درخصوص این دو دیدگاه بیشتر تحقیق و تفحص انجام دهند تا تمامی زوایای آن مشکوف شود. دیدگاه اول؛ در این دیدگاه اساساً موضوع هفتم اکتبر بر اساس تئوری توطئه تحلیل می‌شود، با توجه به شرایط امروز حماس و منطقه، نتایج نشان می‌دهد که این اتفاق علاوه بر اینکه یک برنامه‌ریزی اسرائیلی بوده، یک تله برای به دام انداختن حماس بوده تا به نابودی حماس و تصرف غزه منجر شود. یعنی اساس این نظریه این است که ما جرای حمله هفتم اکتبر به دست اسرائیل و سرویس اطلاعاتی آن طراحی شده بود و حماس هم در این تله گرفتار شد. نتیجه این گرفتاری نیز درحال حاضر قابل مشاهده است و ما شاهد نابودی کامل حماس، ویرانی غزه و محاصره آن هستیم. دیدگاه دوم؛ براساس این دیدگاه، عملیات هفت اکتبر، یک برنامه از پیش چیده شده از جانب حماس بود که دارای دستاوردی زیادی نیز بوده است. زیرا در تاریخ اسرائیل، شکستی با این ابعاد و گستره وجود نداشته است. حتی در طول چهار جنگ با دولت‌های عربی، اسرائیل هرگز دچار چنین خسارتی نشده بود.

اسرائیل در تاریخ خود نشان داده و به گونه‌ای عمل کرده که مخالفان عربی خود، جرأت نکرده‌اند با او وارد گریزی و جنگ شوند. در تاریخ جنگ‌های اسرائیل، تا به حال چنین خسارت و شکستی شکل نگرفته و اعتبار آنها تا به این اندازه از بین نرفته بوده است. به عنوان فردی که مسائل منطقه را به صورت مداوم پایش می‌کند، معتقدم که تئوری توطئه صحیح نیست و ایراد دارد. زیرا اسرائیل برای اعتبار خود ارزش بسیاری قائل است و این موضوع را بارها ثابت کرده است. در نتیجه برای حکومتی با این ویژگی، اجازه اقدام نظامی توسط یک گروه چریکی (حماس) و با این تلفات اصلاً قابل تصور نیست. یعنی اصلانی توان به این فکر کرد که اسرائیل برای پیش بردن یک پروژه اطلاعاتی، دست به چنین اقدامی برند و شکستی سنگین را متحمل شود، اما درخصوص دیدگاه دوم؛ به عقیده بنده این دیدگاه صحیح‌تر است و این عملیات کاملاً با برنامه‌ریزی گروه حماس بوده. منتهمی در این مورد یک ایراد وجود دارد، به نظر بنده حماس در طراحی این عملیات دچار یک غفلت شده و آن غفلت هم عدم درنظر گرفتن یک پیوست دیپلماسی و مدیریت بحران بود.

تصور حماس این بود که این عملیات انجام می‌شود و تعدادی از اسرائیلیان را به اسارت در می‌آورد و با توجه به اهمیت اسرا برای اسرائیل، می‌توانند علاوه بر تحمیل یک شکست سنگین اعتباری برای اسرائیل، تمام زندانیان اسیر شده در اسرائیل را هم آزاد کند. اگر حماس چنین برنامه‌ای را طراحی کرده بود، باید در همان دو یا سه روز اول از طریق واسطه‌ها (مصر و قطر)، فرآیندی را طراحی می‌کرد تا جنگ طولانی و گسترده نشود. البته یکی دیگر از برآوردهای حماس این بود که تاب‌آوری اسرائیل در جنگ‌های کلاسیک زمان دارد و اگر از زمان خود گذر کند، اسرائیل دیگر جنگ را ادامه نخواهد داد. نمونه آن جنگ ۲۲ روزه با حماس و ۳۳ روزه با حزب... است. در این زمینه محاسبات اسرائیل از تهاجم گسترده به اسرائیل دست به اقدامات دیپلماتیک نزد و از آن اهرم تبادل اسرا استفاده نکرد. حماس می‌توانست این دستاورد بزرگ نظامی را تبدیل به یک دستاورد بزرگ سیاسی کند. نکته دیگری که حماس به آن دقت نکرد، ورود اسرائیل به یک جنگ طولانی و گسترده بود. اسرائیل در آن مقطع تصمیم گرفت که بی یک جنگ طولانی را به رغم تمام فشارهای سیاسی به تن خود بمالد و تکلیف حماس و غزه را برای همیشه روشن کند. نتایجی‌ها حتی به درخواست تبادل اسرا نیز بی توجهی کرد.

این اتفاق باعث برهم خوردن تمامی محاسبات حماس شد. حماس می‌توانست پیش از شروع حملات گسترده اسرائیل فرآیند دیپلماسی را طی کند و بازی را به نفع خود تمام کند. درکل عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ یک عملیات تمام فاشیستی ولی فاقد پیوست‌های دیپلماسی بود. محور مقاومت فقط منصرف به لبنان نبود، بلکه ایران بارها اعلام کرده بود از حماس و فلسطین حمایت خواهد کرد. اگر به این موضوع از این منظر نگاه کنیم که حمایت از حماس یک سیاست رسمی برای ایران بوده، محلاً ایران دچار یک شوک عظیم در این زمینه شد.